

مصاحبه اختصاصی با دکتر مهاجری

از سیر تا پیاز مالیات بر عایدی سرمایه

هزار توی بودجه

بورس؛ کبریت بی خطر یا انفجار بزرگ؟!

نگاهی به اقتصاد ورم کرده‌ی ایران

عکس

نشریه دانشجویی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه
علامه طباطبائی (ره) / شماره چهاردهم / آبان ۱۴۰۰



شماره چهاردهم

نشریه دانشجویی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

ع ۱۴

مستغله

آبان ماه ۱۴۰۰ | سال چهارم

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان
مستقل دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه علامه
طباطبائی (ره)


مدیر مسئول: عرفان سعادت‌فر

سردبیر: مجتبی شهرابی

ویراستاران: هانیه سلحشور، امیرمهدی
شجاعی

هیئت تحریریه: آرش پلگردی، سیدطاها
توانگر، عرفان جمال‌آبادی، امیررضا راد،
هانیه سلحشور، علی ضیاکمالی

صفحه آرا: بهارسادات شیخ الاسلامی



ما را در پیام‌رسان‌های
اینستاگرام و بله دنبال
کنید

@mostaghelatu



- ۳ از سیر تا پیاز مالیات بر عایدی سرمایه
(مصاحبه با دکتر مهاجری)
- ۶ هزارتوی بودجه
- ۷ مالیات چیست؟
- ۹ بورس؛ کبریت بی‌خطر یا انفجار بزرگ؟!
- ۱۱ نگاهی به اقتصاد ورم‌کرده‌ی ایران
- ۱۳ عدالت اقتصادی در اسلام
- ۱۴ رمزارزها: فرصت یا تهدید



از سیر تا پیاز مالیات بر عایدی سرمایه

مصاحبه با دکتر پریسا مهاجری
(عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد
دانشگاه علامه طباطبائی (ره))

هانیه سلحشور

مسئول واحد خواهران انجمن مستقل در دانشکده

جمله مهم‌ترین کارکردهای CGT آن است که ضمن وضع مالیاتی که نسبت به مالیات بر ثروت، اختلال‌زایی کمتری دارد، تا حد بالایی نیز می‌تواند از رفتارهای سوداگرانه و سفته‌بازی جلوگیری کند. از این رو، در ثبات‌بخشی به بازار دارایی‌ها به ویژه بازار مسکن، نقش مهمی ایفا می‌کند.

کلیات طرح مالیات بر عایدی سرمایه خرداد ماه در مجلس تصویب شد. آیا شما ایراد و اشکالی در این طرح، که فعلاً در حال بررسی است، می‌بینید که نیاز به اصلاح داشته باشد؟

کانون توجه سیاست‌گذاری‌های بخش عمومی، تمرکز بر مقولهٔ بهبود کیفیت مالیهٔ عمومی (CGT) است. کیفیت مالیهٔ عمومی مفهومی چند بعدی است و از نظر کمیسیون اروپا، شامل تمامی اقدامات و عملکردهای سیاست مالی است که از اهداف کلان اقتصادی به ویژه رشد بلندمدت اقتصادی حمایت می‌کند. از این منظر کیفیت مالیهٔ عمومی مشتمل بر سیاست‌هایی است که نه تنها وضعیت مناسب بودجه و پایداری طولانی‌مدت آن را تضمین کند، بلکه دربرگیرندهٔ سیاست‌هایی باشد که ظرفیت‌های تولید را ارتقا داده و اقتصاد را در برابر انواع شوک‌ها، مقاوم و منعطف کند.

در طرح مالیات بر عایدی سرمایه که با نام «اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم» در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ایران به تصویب رسیده است، مشخص نیست که چنین تغییری در قوانین و مقررات در پاسخ به حل چه

مسئله‌ای است؟ کیفیت مالیهٔ عمومی را چگونه متأثر می‌سازد؟ روش‌های جایگزین حل آن مسئله چیست؟ چرا این شیوهٔ حل مسئله پیشنهادی، کمترین کاستی را دارد؟ آثار و پیامدهای مثبت و منفی‌اش چیست؟ چطور آثار منفی را می‌توان به حداقل رساند و مدیریت نمود؟

علاوه بر این، ساختار و کارایی سیستم درآمدی که مالیات‌ها نیز جزئی از آن است، یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت مالیهٔ عمومی است. سوآلی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود آن است که مالیات بر عایدی سرمایه (به شکلی که در طرح حاضر مورد بحث قرار گرفته است)، چه نقشی قرار است در نظام مالیاتی ایفا کند؟ منطق اینکه با معرفی مالیات بر عایدی سرمایه مثلاً در حوزه املاک و مستغلات، مالیات بر نقل و انتقال املاک باید همچنان در نظام مالیاتی باقی بماند چیست؟ چه منطقی باید در تعیین پایهٔ مالیاتی و نرخ مالیاتی در مالیات بر عایدی سرمایه مورد توجه و استفاده قرار بگیرد؟ ارتباط بین نرخ مالیات بر عایدی سرمایه با نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی چیست؟

علاوه بر موارد مذکور در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه باید تکلیف چند موضوع محوری زیر را مشخص نمود:

- ۱) عایدی سرمایه‌ای کدام یک از دارایی‌های حقیقی و مالی، با چه نرخی باید مشمول مالیات گردد؟
- ۲) آیا باید عایدی سرمایه‌ای را نسبت به تورم تعدیل نمود؟
- ۳) آیا تعدیل نسبت به استهلاک در خصوص عایدی سرمایه‌ای موضوعیت دارد یا نه؟
- ۴) اگر مالیات بر عایدی سرمایه با هدف جلوگیری از سفته‌بازی و نوسانات وضع می‌شود، آیا نسبت به عایدی بلندمدت و کوتاه‌مدت باید حساسیتی وجود داشته باشد؟
- ۵) آیا زبان‌های سرمایه‌ای بایستی قابل کسر از درآمدهای سرمایه‌ای یا قابل اعتبار دادن باشند یا خیر؟

بررسی طرح مالیات بر عایدی سرمایه و مقایسهٔ آن با تجربیات سایر کشورها، حکایت از آن دارد که طرح مذکور نسبت به این موضوعات محوری ساکت است و یا شیوه‌ای انتخاب شده است که انطباق چندانی با آموزه‌های نظری و تجربی ندارد. برای نمونه، یکی از مهم‌ترین اصول در طراحی این مالیات، تعدیل نسبت به تورم است که نادیده گرفتن آن، عدالت مالیاتی را به شدت متأثر می‌سازد که با ذکر یک مثال می‌توان ابعاد اهمیت آن را مشخص کرد. فرض کنید فردی سه سال پیش خانه‌ای به

ارزش ۲ میلیارد تومان خریده است و الان قیمت فروش آن ۶ میلیارد تومان است. بر اساس طرح پیشنهادی فعلی، «تفاضل قیمت فروش از قیمت خرید» (یا هزینهٔ اکتساب) به عنوان پایهٔ مالیاتی محسوب می‌شود و فرد می‌بایستی با یک نرخ بسیار بالایی (حتی در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته) و روی ۴ میلیارد تومان مالیات پرداخت کند. این در حالی است که هزینه‌های اکتساب دارایی متناسب با تورم باید تعدیل شود. فرض کنید در این ۳ سال، نرخ تورم به ترتیب ۲۰، ۴۰ و ۶۰ درصد بوده است و در نظر گرفتن آن سبب می‌شود که هزینه‌های اکتساب دارایی به ۵ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان افزایش یابد. بدین ترتیب پایه مالیاتی ۶۰۰ میلیون تومان خواهد بود نه ۴ میلیارد تومان؛ و بدیهی است که میزان مالیات تعلق‌گرفته به آن نیز به شدت کاهش خواهد یافت.

استدلالی که مخالفان دارند این است که ما هیچکدام از مالیات‌های دیگر را تعدیل تورمی نمی‌کنیم، چرا این مالیات باید بر اساس تورم تعدیل بشود؟

در تمامی کشورهایی که مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی دارند، معافیت‌های پایه، معافیت‌های مازاد و هزینه‌های قابل قبول مالیاتی، همگی بر حسب تورم تعدیل می‌شود و همین موضوع باعث می‌شود که پایهٔ مالیاتی، که از تفاضل مجموع درآمد اشخاص از انواع معافیت‌ها و هزینه‌های قابل قبول شخصی محاسبه می‌شود، نسبت به تورم تعدیل شده باشد. در خصوص مالیات بر عایدی سرمایه هم به همین ترتیب است. نادیده گرفتن تعدیل نسبت به تورم در طراحی CGT، عملاً این مالیات را به مالیات بر ثروت تبدیل می‌کند که ضمن تشدید پدیدهٔ «فقل‌شدگی»، ناعادلانه بوده و اختلال‌زایی بالایی هم دارد.

البته یکی از مسائل خوبی که در CGT مطرح می‌شود، معافیت‌هایی است که وجود دارد. برای مثال در این طرح ذکر شده که از خانه‌ای که فرد در آن نشسته یا ماشینی که زیر پایش است، مالیاتی گرفته نمی‌شود؛ بلکه آن دارایی بیش از نیازی که فرد دارد و از آن عایدی کسب می‌کند، مشمول مالیات می‌شود.

بله، تجربهٔ کشورهای مجری این نوع مالیات نیز حکایت از آن دارد که سکونت‌گاه اصلی اشخاص، از شمول مالیات بر عایدی



هزار توی بودجه

آرش پلگردی | عضو فعال انجمن مستقل در دانشکده

تعریف بودجه

بودجه برنامه‌ای واضح برای اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت است که حاوی تمام جنبه‌های عملیات واحد تجاری در یک دوره زمانی تعیین شده می‌باشد. بودجه ابزاری است که اهداف و مسیر حرکت را برای سازمان‌ها و نهادها مشخص می‌کند؛ یا به عبارتی، بودجه، برآورد درآمد و هزینه در یک دوره زمانی معین در آینده است و معمولاً به صورت دوره‌ای، تدوین و ارزیابی مجدد می‌گردد. بودجه را می‌توان برای شخص، گروهی از افراد، مشاغل، دولت یا تقریباً هر چیز دیگری که پول ایجاد می‌کند و خرج می‌کند، تهیه کرد.

فرآیند

مسئولیت تهیه، تنظیم و در نهایت پیشنهاد لایحه بودجه در تمام کشورهای جهان بر عهده قوه مجریه است. در ایران به موجب اصل ۵۲ قانون اساسی، بودجه سالانه کل کشور توسط دولت تهیه، تنظیم و در نهایت برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. متن پیشنهادی بودجه را که سازمان برنامه و بودجه از جمله سازمان‌های زیر نظر دولت است، تدوین و پس از تصویب هیئت دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود. لایحه بودجه می‌نامند. تقدیم لایحه بودجه سال بعد، باید تا آذر ماه هر سال از طرف دولت به مجلس شورای اسلامی صورت گیرد و بررسی لایحه بودجه ابتدا در کمیسیون بودجه مجلس شورای اسلامی انجام می‌شود. در نهایت پس از مطرح شدن در صحن علنی مجلس و تصویب آن (که باید قبل از پایان سال جاری صورت گیرد)، لایحه بودجه به صورت قانون بودجه لازم‌الاجرا می‌شود.

بخش‌های بودجه

۱- بودجه عمومی

رقم این بخش از بودجه در هر سال متفاوت است. این بودجه شامل منابع درآمدی دولت (نفت و مالیات و...) و مصارف و مخارج دولت (هزینه‌های جاری، بودجه عمرانی و...) است. بخش درآمدهای دولت عمدتاً شامل درآمدهای مالیاتی، درآمدهای گمرکی، درآمد حاصل از سود شرکت‌های دولتی، جریمه‌ها و ...

می‌شود. بخش مصارف عمدتاً شامل بودجه عمرانی، حقوق و دستمزد کارکنان دولت (با انواع قرار داده‌ها) و کمک به صندوق‌های بازنشستگی است.

۲- بودجه شرکت‌های دولتی

بخش دیگری از بودجه که در قالب پیوست شماره سه به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود بودجه شرکت‌های دولتی است. عموماً مجلس وقت زیادی صرف بررسی این بخش از بودجه نمی‌کند. این امر در کنار بزرگ بودن عدد شرکت‌ها (در مقایسه با بودجه عمومی) موجب نگرانی نمایندگان مجلس شده است. جنس بودجه شرکت‌ها با بودجه دستگاه‌ها کاملاً متفاوت است. بودجه دستگاه‌های دولتی، اعتباری است که از خزانه دریافت می‌کنند و صرف امور جاری خود می‌نمایند، اما بودجه شرکت‌ها، از جنس گردش مالی است. برای مثال وقتی یک پالایشگاه چند صد هزار بشکه نفت در طول سال می‌خرد و تبدیل به بنزین می‌کند و می‌فروشد، ارزش آن نفت در بودجه شرکت منعکس می‌شود.

۳- نظارت و حسابرسی

بودجه یکی از اهرم‌های قوی هدایت اقتصاد جامعه است، اما تصویب آن به تنهایی کفایت نمی‌کند و مجلس شورای اسلامی، علاوه بر تصویب باید بر اجرای آن نظارت کند و گرنه تصویب بودجه اهمیت خود را از دست می‌دهد. در تمام کشورها، حق نظارت بر اجرای بودجه برای مجلس نمایندگان شناخته شده است. در سند تفریغ بودجه ارقام بودجه به طور تخمینی تعیین می‌شود و در پایان سال پس از اجرای بودجه، تفاوت ارقام پیش‌بینی شده با مخارج واقعی تحقق یافته و درآمدهای واقعی وصول شده در سند تفریغ بودجه مشخص می‌شود. نظارت و تهیه سند تفریغ بودجه بر عهده دیوان محاسبات است که اعضای آن را نمایندگان مجلس انتخاب می‌کنند. از جمله وظایف دیوان محاسبات می‌توان به رسیدگی به تمام حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌های استفاده کننده از بودجه کل کشور اشاره کرد.

سرمایه مستثنی است که این موضوع در طرح فعلی به صورت بسیار وسیع‌تری لحاظ شده است.

بحث از معافیت‌ها کردیم، به‌طور کلی در طرحی که الان برای مالیات بر عایدی سرمایه مطرح شده، چه معافیت‌هایی در نظر گرفته شده است؟

یکی از مهم‌ترین معافیت‌ها آن است که هر فرد بالای ۱۸ سال اگر یک خانه یا ماشین داشته باشد، از عایدی آن مالیات گرفته نمی‌شود. یعنی بر فرض یک خانواده ۴ نفره می‌تواند ۴ خانه و ۴ ماشین داشته باشند؛ در حالی که در کشورهای دیگر چنین معافیت‌هایی در نظر گرفته نمی‌شود. به طور کلی در کشورهای مختلف، تمرکز اصلی روی املاک و مستغلات است و سکونتگاه نخست (و بعضاً دوم) خانوار، معافیت مالیاتی دارد. این در حالی است که به ازای هر عضو خانوار که بالای ۱۸ سال سن داشته باشد، این معافیت منظور می‌شود که به راحتی می‌تواند اجتناب مالیاتی را به دنبال داشته باشد. ضمن اینکه هدف اصلی این نوع مالیات که کاهش سفته‌بازی در بازار دارایی‌ها است، محقق نخواهد شد.

ارتباط مالیات بر عایدی سرمایه و پایانه‌های فروشگاهی چیست؟

راه‌اندازی پایانه‌ی فروشگاهی می‌تواند بخش قابل ملاحظه‌ای از عدم تمکین و فرار مالیاتی را در حوزه مالیات

بر ارزش‌افزوده و همچنین مالیات بر درآمد مشاغل و اصناف کاهش دهد. در واقع، هر معامله‌ای که صورت می‌گیرد، رونوشتی از آن بلافاصله به سازمان مالیاتی مخابره می‌شود و بدین ترتیب، سازمان مالیاتی می‌تواند به عدم تقارن اطلاعاتی که بین سازمان و مؤدی وجود دارد، تا حدود زیادی غلبه نموده و مالیاتی به‌حق و منصفانه اخذ کند.

سؤال آخری که از شما داشتیم این بود که به نظر تان ما به عنوان یک تشکل دانشجویی در حوزه «مالیات بر عایدی سرمایه» و «پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان» روی چه چیزی دقیقاً تمرکز کنیم و آن را از مسئولین و نهادهای مربوطه مطالبه نماییم؟

وجود اسناد پشتیبان و گزارش‌های توجیهی در خصوص هر گونه تغییر قوانین و مقررات از مهم‌ترین ضروریات است. در این اسناد پشتیبان، می‌بایستی مسئله اصلی به خوبی مشخص شده باشد، راهکارها در قالب مطالعات نظری و تجربه کشورها به خوبی بررسی شده باشد و آثار و تبعات احتمالی هر راهکاری با توجه به مقتضیات و شرایط کنونی اقتصاد تا حدی مشخص باشد. به نظر بنده، تمرکز بر شناسایی دقیق مسئله، اصول اساسی حاکم بر طراحی راهکارها و در نهایت، تعیین آثار و تبعات مثبت و منفی در قالب یک نگاه سیستمی به موضوع (از جمله دو موردی که مطرح شد) بهتر است در اولویت قرار گیرد.



مالیات چیست؟



علی ضیاکمالی

عضو فعال انجمن مستقل در دانشکده

مالیات چیست؟

طبق تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، مالیات، پرداختی اجباری و بلاعوض است که ممکن است به اشخاص حقیقی و حقوقی نظیر افراد، شرکتها، مؤسسات و... تعلق بگیرد. در واقع مالیات بخشی از درآمدها و عایدی جامعه است که به دلیل تأمین بستر کسب دارایی و سود، به دولت تعلق می‌گیرد.

انواع مالیات

در تقسیم‌بندی کلی می‌توان مالیات را به دو دسته‌ی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمود. تفاوت اصلی در این دو دسته این است که مالیات مستقیم، فرد به فرد، بر اشخاص حقیقی تعلق می‌گیرد؛ اما مالیات غیرمستقیم، بقیه موارد را شامل می‌شود که معمولاً شخصیت‌های حقوقی نظیر شرکتها و صنایع شامل این مورد می‌شوند. در ضمن به شخصی که مشمول و مسئول پرداخت مالیات است «مؤدی مالیاتی» گفته می‌شود.

انواع مالیات‌های مستقیم

الف) مالیات بر دارایی: اساس این نوع مالیات، ثروت و دارایی اشخاص حقیقی است که خود شامل دو دسته مالیات بر ارث و مالیات حق تمبر می‌گردد.

ب) مالیات بر ارث: مالیات بر ارث یعنی مالیاتی که توسط دولت از دارایی و ثروت به جا مانده از فرد فوت‌شده دریافت می‌گردد، اصولاً وارثان فرد فوت شده در جایگاه مؤدی مالیاتی قرار می‌گیرند و اینکه

مهم‌ترین انواع مالیات بر دارایی می‌باشد.

ج) مالیات حق تمبر: این مالیات راهی برای دریافت مالیات دارایی‌هایی که دارای سند و یا مدارک قانونی هستند، می‌باشد؛ که از طریق الصاق و یا ابطال تمبر صورت می‌گیرد. همینطور به منظور رسمیت دادن و لازم‌الاجرا بودن نیز هست (مواد ۴۴ تا ۵۱ قانون مالیات‌های مستقیم).

د) مالیات بر درآمد: می‌توان گفت این مالیات مهم‌ترین مالیات در انواع مستقیم است. اساس این مالیات به جای سرمایه و دارایی اشخاص، بر درآمد جاری آنها است که تقریباً تمامی صنوف را شامل می‌شود؛ نظیر: مالیات بر درآمد املاک، حقوق، مشاغل، کشاورزی، درآمدهای اتفاقی و... .

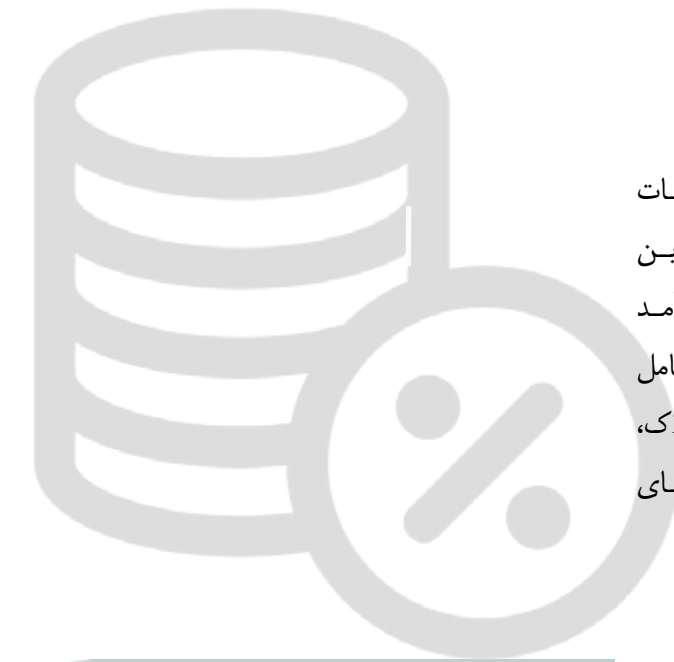
مالیات‌های غیر مستقیم

الف) مالیات بر واردات:

این نوع مالیات جدای از اینکه یکی از راه‌های درآمدزایی دولت می‌باشد یکی از مهم‌ترین انواع مالیات‌های کلان است که عموماً تابع سیاست‌های کلان بازرگانی و وضع عمومی و اختصاصی کشور می‌باشد؛ جدای از تأمین بودجه، کاربردهای دیگر این مالیات در کنترل واردات کالاهای خاص و همچنین حمایت از تولید داخلی است. این مالیات نظیر: حقوق و عوارض گمرکی، سود بازرگانی، عوارض بر واردات اتوموبیل هستند.

ب) مالیات بر مصرف و فروش کالا و خدمات:

این مالیات، مالیاتی است که مصرف‌کننده در زمان



خرید کالا و خدمات به صورت آنی (همراه با قیمت خرید) پرداخت می‌کند؛ سیاست این مالیات به این گونه است که وقتی فرد کالای مورد نظر را، با میزانی خاص از مالیات بر مصرف را خریداری می‌کند، با مصرف بیشتر آن محصول قاعدتاً مالیات بیشتری نیز پرداخت می‌کند. یکی از سیاست‌های دولت برای کاهش مصرف کالاهایی نظیر دخانیات استفاده از این نوع مالیات بر مصرف می‌باشد. نکته نهایی در مورد این مالیات این است که گرچه امروزه این مالیات توسط مصرف‌کننده نهایی پرداخت می‌شود، اما از دید قانونی تولیدکنندگان و فروشندگان ملزوم به پرداخت این مالیات هستند. انواع مالیات بر مصرف نظیر: مالیات بر نوشیدنی‌های غیر الکلی، الکل صنعتی و طبی، دخانیات، اتوموبیل و...

ج) مالیات بر ارزش افزوده: این مالیات از تفاوت بین ارزش حقیقی محصول و یا خدمات و ارزش نهایی ارائه‌شده آن در بازه‌ای مشخص کسر می‌گردد.

و نهایتاً اینکه عموماً تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند مشمول انواع مختلف مالیات گردند.

بورس؛ کبریت بی خطر یا انفجار بزرگ!؟

امیررضا راد
عضو فعال انجمن مستقل در دانشکده

اسفند ماه سال ۹۸ شاید تعداد کمی از افراد اطلاع داشتند که بورس چیست. بعد از اتفاقات مرداد ماه ۹۹، ذهنیت اکثر مردم کشورمان نسبت به بازار سرمایه منفی شد و بعد از آن نوبت به تعدادی از سودجویان رسید که مدعی سیگنال‌های پر بازده بودند و با کلاهبرداری، ذهنیت مردم را نسبت به بازار سرمایه مخدوش‌تر کردند. یک سری از کارهای نابخردانه هیئت مدیره‌های شرکت‌های بورسی هم مردم را نسبت به بهتر شدن بازار سرمایه ناامید کرد. برویم سر اصل مطلب! من نمی‌خواهم داستان‌های سال‌های قبل بورس را برای شما تعریف کنم؛ بلکه می‌خواهم دلایل حتمی افزایش قیمت سهام و به تبع آن رشد شاخص بورس را برای شما شرح بدهم. در ادامه با من همراه باشید.

کامودیتی‌ها و نفت در ریل صعود

کامودیتی‌ها شامل کالاهایی هستند که قابلیت معامله دارند و مواد اولیه صنایع نیز محسوب می‌شوند. قطع به یقین شما از افزایش نرخ کامودیتی‌ها و همینطور نفت آگاه



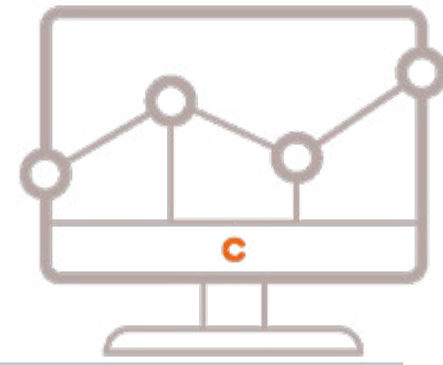
هستید. کوچک‌ترین تحرک مثبت در این نوع بازار جهانی، موجب افزایش قیمت سهام‌های شرکت‌های دخیل در این امر می‌شود. به طور مثال افزایش قیمت نفت باعث افزایش قیمت سهام‌های شرکت‌های نفتی و پالایشگاه‌ها می‌شود.

بزرگان در کف ولی سودساز

بعضی از شرکت‌های بورسی، سود بسیار عالی را پرداخت کردند و توانستند کام سهامدارانشان را شیرین کنند. به گفته مدیرعامل پتروشیمی نوری که یکی از شرکت‌های بزرگ بورسی محسوب می‌شود این تازه اول کار است. اکثر شما خوانندگان عزیز از قیمت‌های عجیب سهام‌های مهم بازار و از طرح افشا اموال اطلاع دارید. یک سری از بانک‌های شاخص‌ساز مثل بانک ملت می‌توانند تنها از طریق اموالشان به سودسازی عجیبی برسند!

تأثیر کسری بودجه بر بورس

دولت به علت کسری بودجه دست به کار شده و اوراق‌ها را نه به صورت هفتگی، بلکه به صورت روزانه منتشر



می‌کند. پس بازار سرمایه نیاز به محرکی مانند پول دارد. دولت چاره‌ای جز استفاده و رونق بازار سرمایه ندارد، و نخواهد داشت؛ زیرا یکی از مهم‌ترین منابع تامین مالی دولت، بازار بورس است که از این طریق، سرمایه‌های کلان را جذب می‌کند.

عرضه اولیه‌های بزرگ

به گفته‌ی خبرگزاری ایسنا علاوه بر هفت شرکتی که زیر مجموعه عالیجناب(شستا) هستند هفت شرکت بزرگ دیگر از قبیل رجا هم در صف عرضه اولیه قرار دارند که مطمئناً بعد از یک دوره سه ماهه می‌توانند روی بازار تأثیر خوبی داشته باشند. در نتیجه این عرضه اولیه می‌تواند سرمایه‌های سرگردان را به سمت خود جذب کند.

رابطه‌ی معکوس تورم و زیان انباشته

در یک سال اخیر نسبت قیمت سهام به تورم به طرز عجیبی پایین آمده است. این را می‌توانیم از قیمت ایران خودرو ۱۶۰ تومانی و ۱۵۰ تومانی گروه خودروسازی سایپا، در اوایل آبان ماه متوجه شویم. به گزارش خبرگزاری بورس نیوز، رئیس جدید سازمان بورس، مجید عشقی، گفت: طی دو سال اخیر ۱۷ شرکت که زیان انباشته داشتند مانند سه بانک شاخص ساز ملت، تجارت و صادرات، توانستند به وضعیت سوددهی برسند.

کلام آخر

بورس به طور حتم رشد می‌کند و تمام این روزهای منفی و سخت به پایان می‌رسد؛ در طول این مسیر امید به آینده بهتر موجب سهولت خاطر سهامداران از روزهای قرمز بازار می‌شود. فراموش نکنید، کسانی در بازار سرمایه موفق می‌شوند که در معاملات خود راهبرد داشته باشند و با دید بلندمدت سرمایه‌گذاری کنند. پس هرگز عجله نکنید، سرمایه‌گذاری خوب آینده‌ای آسوده را برای شما به ارمغان می‌آورد.





نگاهی به اقتصاد ورم کردهی ایران!

بررسی نرخ تورم و راه‌های کاهش آن

ریحانه مرادی | عضو فعال انجمن مستقل در دانشکده

تورم چیست؟

تورم به معنای افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت‌ها است. بر پایه نظریه‌های گوناگون تعاریف متعددی از تورم ارائه می‌شود. در واقع تورم روند نامنظم افزایش قیمت‌ها را نشان می‌دهد و هرچه میزان تورم زیاد شود، قدرت خرید یک واحد پول کمتر خواهد شد. تورم یکی از شاخص‌های اقتصادی است که همه کشورها سعی دارند آن را به حداقل میزان ممکن کاهش بدهند؛ به دلیل این که بر همه‌ی فعالیت‌های اقتصادی در کشور تأثیرگذار است.

آثار تورم

تورم یکی از پدیده‌هایی است که می‌تواند آثار مثبت و منفی برجای بگذارد. به عبارتی دیگر تورم به افراد دارای درآمدهای پولی ثابت ضرر می‌زند و قدرت خرید آن‌ها را کاهش می‌دهد، اما در مقابل به نفع کسانی است

که درآمد پولی متغیر، مانند سود حاصل از فروش سهام دارند که با افزایش تورم ارزش سهم سهامداران افزایش می‌یابد.

راه‌های کاهش تورم

در این بخش قصد داریم تا به چند راهکار کاهش تورم اشاره کنیم:

۱- جلوگیری از رشد بی‌رویه‌ی نقدینگی: اساسی‌ترین کاری که باید انجام شود این است که از رشد بی‌رویه نقدینگی جلوگیری شود. نقدینگی مجموع پول و شبه پولی است که در اقتصاد کشور جریان دارد. درحالت کلی نقدینگی، به‌طور طبیعی سالانه افزایش می‌یابد، اما کاری که دولت‌ها باید انجام دهند این است که میزان چاپ پول را به حداقل میزان ممکن کاهش دهند. براساس محاسبات کارشناسان، بهترین حد رشد نقدینگی کشور ما ۱۰ درصد است و در شرایط ضروری

تا ۲۰ درصد هم امکان رشد دارد. اجرای صحیح قوانین توسط بانک‌ها به منظور تراز بودن عملیات‌ها، می‌تواند اقدامی راهگشا برای جلوگیری از رشد بی‌رویه نقدینگی باشد.

۲- کاهش هزینه‌های غیرضروری دولت: به‌منظور تراز بودن بودجه و برقراری انضباط مالی دولت، یکی دیگر از راهکارها کاهش هزینه‌های غیرضروری جاری و عمرانی دولت است. مثلاً مسئولین باید در سفرهای استانی خود از دادن وعده‌هایی که انتظارات مردم را بالا می‌برد خودداری کنند و دولتمردان باید وعده‌هایی را به مردم بدهند که بتوانند آن‌ها را با واقعیت‌های موجود کشور عملی کنند. یا مثلاً افزایش حقوق کارمندان باید کمتر از نرخ تورم باشد تا هزینه‌ها بیشتر از درآمدها نشوند. مورد دیگری هم که می‌توان به آن اشاره کرد این است که دولت از احداث طرح‌های عمرانی جدید خودداری کند و پروژه‌هایی که آن‌ها را ناتمام گذاشته است را تمام کند.

۳- افزایش تولید: افزایش تولید یکی از راهکارهایی است که علاوه‌بر کاهش میزان تورم، باعث افزایش توسعه اقتصادی کشور می‌شود. تولید می‌تواند آثار منفی ناشی از واردات کالا را در کشور کاهش دهد. تولید امری بلندمدت است و باید زیرساخت‌های لازم برای آن

فراهم شود. کاهش هزینه‌های تولید، افزایش تسهیلات برای تولیدکنندگان و بالابردن میزان بهره‌وری از اقدامات مفیدی هستند که باعث افزایش تولید می‌شوند.

۴- به‌کارگیری صحیح سیاست‌های پولی و مالی: اگر سیاست‌های پولی و بانکی درست انجام شود، نرخ بهره کاهش می‌یابد، تورم نیز کاهش می‌یابد و باعث رشد اقتصاد می‌شود. سیاست پولی به سیاستی می‌گویند که از طریق تغییر و کنترل حجم پول و تغییر در سطح و ساختار نرخ بهره و با سایر شرایط اعطای اعتبار و تسهیلات مالی به اهداف معین اقتصادی نایل می‌شود. هدف از سیاست پولی برطرف کردن تورم و رفع کساد و رسیدن به اشتغال کامل است.

سخن پایانی

راهکارهای فراوانی برای کنترل و کاهش تورم در دنیا وجود دارد که هر کشور متناسب با اولویت‌ها و ظرفیت‌های خودش آن‌ها را اجرایی می‌کند. یک نکته را باید در نظر داشته‌باشیم و آن این است که حذف تورم در جامعه کنونی ما امکان‌پذیر نیست، اما برای کاهش آن لازم است چندین سیاست اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اتخاذ شود.





سیدطاها توانگر
عضو فعال انجمن مستقل در دانشکده

معنای عدالت:

عدالت یعنی دسترسی هر کس به حقوق خویش؛ که شامل قرار گرفتن هر چیز در جای خود به تناسب استعداد، توانایی، مهارت و فراهم سازی بستری برای رشد انسان‌ها است. موضوع عدالت به جهت فطری بودن آن همیشه مورد توجه مردم و مکاتب بوده است. اسلام در جایگاه دین کامل و خاتم نیز این آموزه را در همه ابعاد زندگی بشری مورد تاکید فراوان قرار داده است.

تفاوت عدالت با برابری:

سیستم مبتنی بر برابری، همچون مارکسیسم، تفاوت‌ها را نادیده گرفته و بر یکسان‌سازی مردم، به هر قیمتی دست می‌زند؛ اما جامعه عدالت‌محور به تفاوت‌هایی که از راه صحیح کسب شده، احترام گذاشته و آنها را به رسمیت می‌شناسد؛ در واقع سعی بر نزدیک شدن طبقات مختلف دارد تا یکسان‌سازی عدالت اقتصادی:

عدالت اقتصادی یعنی دستیابی تمام افراد، به حق خود از دارایی‌های جامعه. افزون بر گفتار فراوان امیرالمومنین (ع) در باب عدالت، سیره حضرت در حکومت گویای اهمیت فراوان عدالت و جایگاه والای آن در اقتصاد اسلامی است.

پیش‌نیازهای عدالت اقتصادی چیست؟

پاسخ این سوال با دیدگاه‌های گوناگون متفاوت است. اگر به دید سطحی و کوتاه‌مدت بخواهیم جوابی برای آن پیدا کنیم، چاره در مدیران و افراد و در پی آن حذف فسادها و رانت‌ها است. که صد البته تأثیراتی به‌سزا دارد و مورد نیاز هم هست، اما پس از مدتی به جهت عدم حل اساسی مسأله، نیاز آن دو مرتبه گریبان‌گیر جامعه خواهد شد. پس اگر با این دید بخواهیم مسایل را حل کنیم، نباید منتظر نتیجه‌ای خاص و در پی آن مطالبه عدالت بود؛ بنابراین چاره در دید بلندمدت و تمدنی به موضوع است. تغییر علوم انسانی حال حاضر تلفیقی که در پی آن تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی حاصل می‌شود. از مهم‌ترین ایراداتی که به واسطه تغییر در ساختارهای اقتصادی حل خواهد شد، اصلاح نظام توزیع است؛ که معیوب بودن این مهم از علل اصلی تشدید اختلاف طبقاتی و معیوب بودن ساختارهای اجتماعی است. شاهد این



صحت اوضاع فعلی است. حل این معضل بر عهده هر سه قوه است. همه افراد جامعه برای کار، ایجاد حق و بهره‌مندی از فرصت و امکانات، باید مساوی باشند. در این بستر مساوی، هر کس براساس میزان همت، اراده، کار و تلاش می‌تواند از دیگران سبقت بگیرد و بهره‌مندی خود را از مواهب طبیعی در مقایسه با دیگران بیشتر کند. امکانات و فرصت‌های عمومی، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین سنگ بنایی است که اگر کج نهاده شود، جامعه دچار بی‌عدالتی عمیق می‌گردد.

نیازمندان دو دسته هستند. گاهی توان کار ندارند؛ همانند اطفال و سالخورده‌گان. برخی دیگر توان کار دارند؛ اما میزان بهره‌مندی آن‌ها از کارشان، هزینه‌های متعارف و معمول آن‌ها را کفایت نمی‌کند. نظام اسلامی و ثروتمندان موظف هستند به ترتیب از امکانات عمومی و شخصی خود برای برطرف کردن نیازها استفاده کنند.

در اسلام مردم نیز نسبت به هم حقوقی دارند. برای مثال در سوره معارج گفته شده «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (۲۴) لِلسَّائِلِ وَالْمَخْرُومِ (۲۵)»: «و آنان که در اموالشان حقی است معلوم؛ برای افراد سائل و محروم».

بعضی از مفسران معتقدند مراد از «حق معلوم» چیزی غیر از زکات است که انسان بر خود لازم می‌داند به نیازمندان کمک کند. اگر ثروتمندان جامعه، حقوق واجب مالی خود همانند خمس، زکات و... را ادا کنند اما فقیران جامعه تأمین نشوند، حکم وجوب تأمین نیازمندان جامعه به صورت یک واجب کفایی بر عهده ثروتمندان همچنان باقی می‌ماند و باید از اموال خود افزون بر حقوق واجب مالی آن، مقداری به فقیران بدهند تا آن‌ها نیز بی‌نیاز شوند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «همانا خداوند عزوجل برای فقیران در دارایی ثروتمندان به مقداری که آنان را بی‌نیاز کند سهمی قرار داد. اگر این مقدار برای فقیران کافی نبود، سهم آنان را زیادت‌تر می‌کرد. به درستی که گرفتاری فقیران بدان سبب است که حق آنان را نپرداخته‌اند. (الحیاء، ج ۴، ص ۳۹۲)»

در آخر با توجه به مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت که راه‌حل وضع فعلی ابتدا باید در نهاد حاکمیت با تغییر ساختارها و عملکرد هر قوه جستجو کرد و سپس از ثروتمندان و مردم جامعه برای رفع مشکلات مطالبه شود.

اگر در مملکتی هستی که سراسر تاریکی است، نشان می‌دهد تو یک کبریت هم روشن نکرده‌ای.

«عین صاد»

عرفان جمال‌آبادی

عضو فعال انجمن مستقل در دانشکده

ارزهای دیگر طی می‌کنند، اثرات فوق‌العاده‌ای دارد.

نقاط قوت ارز دیجیتال

۱- همه‌گیر بودن

یکی از مزایای ارزهای دیجیتال همه‌گیر بودن آن‌هاست به این معنا که هر شخصی در سراسر دنیا قابلیت بهره‌بردن از کریپتوکارنسی‌ها را دارد. مشکلی که ما ایرانی‌ها برخی اوقات در استفاده از صرافی‌های خارجی با آن مواجه می‌شویم ربطی به ماهیت ارزهای دیجیتال ندارد و به علت تحریم‌های موجود، استفاده از صرافی برای ما مشکل‌ساز شده است.

۲- سرعت

سرعت در انجام تراکنش‌ها در میان ارزهای دیجیتال یکی از امکاناتی است که می‌توان از آن برای پرداخت‌های بین‌المللی استفاده کرد. در حالی که برای انجام یک تراکنش بین‌المللی به چند روز زمان نیاز دارد (تراکنش‌های ارزهای دیجیتال با سرعت و در کمتر از یک روز انجام خواهند شد). معاملات بیت‌کوین گاهی تنها به ۱۰ دقیقه زمان نیاز دارند.

۳- امنیت بالا

معاملات رمزارز بر بستر شبکه بلاک‌چین انجام می‌شوند؛ هزاران کاربر گره‌های این شبکه را تشکیل می‌دهند و این همان چیزی است که کار هک شبکه بلاک‌چین را تقریباً ناممکن می‌کند.

نقاط ضعف ارزهای دیجیتال

۱- از بین رفتن سرمایه در صورت از بین رفتن کلیدهای خصوصی

اگر شما کلیدهای خصوصی خود را فراموش کنید یا گم کنید دیگر به هیچ طریقی امکان بازگشت سرمایه‌تان وجود ندارد.

۲- دوستی مجرمان با ارزهای دیجیتال

ماهیت رمزارزها، این است که حساب‌ها مخفی هستند و توسط سازمانی نظارت نمی‌شوند و گاهی تبهکاران را به سمت خود جذب می‌کند.

۳- عدم ثبات

با وجود تمام خوش‌بینی‌هایی که در رابطه با رمزارزها وجود دارد، رمزارزها هنوز به استفاده‌ی عمومی نرسیده‌اند و اگر به هر دلیلی رمزارزی اعتبار خود را از دست دهد، عملاً کاربردی برای شما نخواهند داشت.

این روزها مدام از ارزهای دیجیتال صحبت می‌شود. اما با وجود شهرتی که پیدا کرده‌اند هنوز هم عده زیادی از افراد دقیقاً نمی‌دانند که منظور از کریپتوکارنسی یا ارز دیجیتال چیست و این ارزها دقیقاً چه کاربردی در دنیای امروز دارند.

کریپتوکارنسی یا ارز دیجیتال چیست؟

ارزهای دیجیتال در حقیقت ارزی هستند که با پروتکل‌های رمزگذاری شده طراحی می‌شوند و هدفشان کاهش تقلب و ممانعت از جعل و کلاهبرداری ارزی است. مهم‌ترین ویژگی ارز دیجیتال در غیرمتمرکز بودن آن است. یعنی هیچ نهاد، سازمان یا دولت خاصی، آن را تحت نظارت و کنترل خود ندارد. در نتیجه، دیگر خبری از دخالت دولت‌ها در مدیریت و پیشبرد پروژه‌های موجود در شبکه بلاک‌چین نیست. شبکه بلاک‌چین، شبکه‌ای وسیع است که ارزهای دیجیتال در بستر آن تبادل می‌شوند.

می‌توان از ارز دیجیتال، برای تراکنش‌های مختلف مالی در نقاط گوناگون دنیا استفاده کرد. برای انجام هرگونه تراکنش گسترده (با ارز دیجیتال) نیاز به کلیدهای عمومی و خصوصی داریم. این کلیدها، امنیت فعالیت با رمزارزهای دیجیتال را بالا می‌برند. در واقع، عملیات تراکنش با کریپتوکارنسی‌ها به کمک فرایندهای رمزگذاری شده انجام می‌شود.

در روش‌های قبلی، که نسبت به تراکنش با ارزهای دیجیتال و بلاک‌چین، سنتی محسوب می‌شدند، مبلغ زیادی به عنوان کارمزد در جابجایی ارزها و معاملات از سوی مؤسسات مالی واسطه و بانک‌ها دریافت می‌گردد، اما انجام فعالیت‌های گوناگون با انواع ارز دیجیتال دیگر چنین مشکلی ندارد. یعنی به ازای مبلغ بسیار اندکی از کارمزد، امکان تراکنش‌های مالی وجود دارد.

عده اندکی از افراد از پیدایش انواع ارز دیجیتال اطلاع دارند. این پدیده، در واقع به عنوان اختراعی در کنار یک اختراع دیگر، پا به دنیای ارزها گذاشته است. بیت‌کوین، معروف‌ترین ارز دیجیتال است که خالق آن، فردی ناشناس به نام ساتوشی ناکاموتو است. هویت این فرد کاملاً مشخص نیست و فرضیه‌هایی وجود دارد که شاید این فرد، نامی جعلی برای گروهی از افراد باشد که اقدام به تولید و طراحی نخستین ارز دیجیتال، یعنی بیت‌کوین، کرده‌اند، که نخستین و مهم‌ترین پول دیجیتال است، و از سایر انواع این ارزها بیشتر در معرض قضاوت و تحلیل قرار می‌گیرد. به عبارت دقیق‌تر در دنیای دیجیتال، توجه زیادی به بیت‌کوین می‌شود. این ارز، قیمت ارزهای دیگر را تعیین می‌کند و روی مسیری که





در سال ۹۵
اقتصاد و مسأله اول
مسائل کشور است

اقتصاد؛ اولویت اول مسائل کشور است

اگر به توفیق الهی، هم ملت و هم دولت و مستولان
گونگون، بتوانند در مسئله‌ی اقتصاد کارهای درست و بجا و
متقن را انجام دهند، امید این هست که در مسائل دیگر،
مثل مسائل اجتماعی، مثل آسیب‌های اجتماعی، مثل مسائل
اخلاقی، مثل مسائل فرهنگی هم تأثیرگذار باشند.

پیام نوروزی آغاز سال ۱۳۹۵
سوم

